

بررسی خط نستعلیق در فرهنگ ایرانی

مرضیه کهترفرد (نویسنده مسئول)^۱، سمانه سیاحی زاده فرد^۲

^۱ موسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز hediiyeee.k75@gmail.com

^۲ استاد موسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز Samanesayahi1@gmail.com

چکیده

با بررسی شکل گیری نقش های خط نستعلیق طی مرور زمان و با تغییرات اندک خط نسخ در فرهنگ ایرانی آهسته آهسته این خط شکل خود را پیدا کرد. سرانجام میر علی تبریزی به عنوان تدوین کننده این خط، شناخته شد و آنرا در کنار خطوط دیگر ارائه داد. با کنار هم قرار دادن و نحوه شکل گیری این خط؛ میتوان دریافت که فرهنگ ایرانی و وجود بسترهای مناسب نقش پررنگی در این زمینه داشته است. این مقاله که با روش تحلیلی توصیفی و با مطالعه کتابخانه ای سامان یافته قصد دارد با بررسی اصول شکل گیری فرهنگ ایرانی، باید ها و نبایدها سبک شناسی و تاثیر جو حاکم بر این فرهنگ، نقش شکل گیری خط نستعلیق را مورد بررسی قرار داده است. از آنجا که شرط لازم برای صاحب سبک بودن در این خط؛ اصلاح، تغییر فرم حروف، مفردات می باشد و شرط اصلی آن جذابیت بصری بخشیدن به یکی از این قالب ها است، در نتیجه فضای محیطی شکل گیری این خط حائز اهمیت است. بنابراین با توجه به این که فرهنگ ایرانی خود دارای نقش و نگارها و صورت های هندسی بسیار می باشد ما شاهد تاثیر گذاری قابل توجهی روی خط نستعلیق می باشیم.

واژه های کلیدی

فرهنگ ایرانی، خط، خط نستعلیق

مقدمه

یک بعد از ابعاد معنوی انسان عاقل به جمال و زیبایی و هنر است. انسان زیبایی و هنر را در همه شئون زندگی دخالت می دهد به همین دلیل انسان ذاتاً هنر دوست است و هنر را دوست دارد. برای مثال خط، نمونه ای بارز از هنر است و خوشنویسی را میتوان یکی از مهم ترین نمونه های تجلی روح به شمار آورد. از میان خطوط خوش، خط نستعلیق بدون تردید حاصل ذوق و سلیقه ایرانیان است. این خط به دلیل مقبولیت نزد جامعه ایرانی، از بدو تکوین به سرعت ترویج و گسترش یافت. به گونه ای که از حدود قرن دهم هجری اکثر کتابهای فارسی به این خط نوشته شد. زیبایی این خط، در نظر ایرانیان تا حدی است که خط نستعلیق را از دیرباز عروس خطوط اسلامی دانسته اند (مجنون رفیقی، ۱۳۷۲، ۱۹۸).

ایرانیان بواسطه موقعیت جغرافیایی خاصی که کشورشان دارد و بر سه قاره بزرگ جهان یعنی آسیا و اروپا و آفریقا مشرف است زبان های ایران باستان بسیار به هم نزدیکند و می توان آنها را به عنوان لهجه هایی که به تدریج از یکدیگر جدا شده اند، بررسی نمود. زبان هخامنشیان یا فارسی باستان، بر اساس لهجه های ایرانی شکل گرفت. نگارش به این زبان در قرن ششم قبل از میلاد آغاز شد و برای این امر ساختار مخصوص خط میخی به کار می رفت.

فرهنگ ایرانی فرهنگی است که از قدیمی ترین فرهنگ های جهان است و در همه ی اقوام و ملل یا حتی ملل متمدن، تاثیر گذاشته است. با آنکه فرهنگ هر قوم به همان قوم اختصاص دارد، فرهنگ ایران نیز مانند تمدنش در ساختن فرهنگ دیگر اقوام موثر بوده است. فرهنگ ایرانی، فرهنگی است که؛ قرن ها تجربه، دانش، خرد، سنت و آداب را پشت سر گذاشته است. مردم ایران در طول تاریخ میهن خویش، که از قدیمی ترین سابقه برخوردار است، سازنده و حراست کننده فرهنگ خویش بوده است. آشنایی مسلمانان عرب با فرهنگ و تمدن ایرانی پس از فتوحات، شیوه زندگی و فرهنگ خلفای مسلمان، به خصوص عباسیان را تحت تاثیر قرار داد.

در این دوران شاهد حضور گروه زیادی از دانشمندان ایرانی در عرصه علمی و نیز اصرار ایرانیان بر حفظ سنت های ایرانی بودیم، پس تاثیرات فرهنگی ایرانیان بر مسلمانان در خلافت عباسیان باعث شد که؛ چیزی به نام فرهنگ ایرانی اسلامی شکل گرفت. صاحب نظران درباره پیدایش خطوط اسلامی و ایرانی از جمله خط نستعلیق، اظهار نظر و بررسی های اندکی نموده اند. شواهد برای ریشه یابی این خطوط مبین این نکته است که؛ روند شکل گیری خط به یکباره اتفاق نیوفتاده است، بلکه ده ها سال و شاید قرن ها طول کشیده تا در نتیجه تجربه، ذوق و خلاقیت استادان خط به مرور زمان شکل گرفته است و مورد پسند عامه و طبع هنرمندان واقع شده است. هر چند این تحولات هیچگاه متوقف نشده و اکنون نیز ادامه دارد.

شواهد برای ریشه یابی این خطوط مبین این نکته است که؛ روند شکل گیری خط به یکباره اتفاق نیوفتاده از زمان پیدایش خط نستعلیق تا امروز ما شاهد دگرگونی هایی دل انگیز در خط زیبای نستعلیق بوده ایم.

خط نستعلیق طی مرور زمان و با تغییرات اندک در خط نسخ، آهسته آهسته به سوی تعلیق و نستعلیق حرکت کرد که سرانجام میر علی تبریزی به عنوان تدوین کننده خط نستعلیق آن را به قاعده در آورده و به شکل یک خط در کنار خطوط دیگر ارائه داده است و به آن تعیین و تشخیص بخشیده و در نهایت نام آن را نسخ تعلیق (نستعلیق) گذاشت.

می دانیم که از میان تمام خطوط که با شیوه ای کاملاً جدا و متمایز از سایر خط ها نوشته می شود خط نستعلیق از لحاظ زیبایی فوق العاده اش عروس خط های اسلامی نامیده می شود و ابداع و اختراع مردم ایران است، که از دیرباز به عنوان بهترین خط از لحاظ صورت و معنی شناخته شده است.

این خط با همین وضع کنونی هم امتیازات خطوط شکل نگاری را دارد و نیز دارای امتیاز های آوانگاری است.

ایرانیان بدان سبب که در موقعیت جغرافیایی حساسی قرار دارند و کشورشان بر سه قاره آسیا و اروپا و آفریقا اشراف داشته، ناگزیر به ارتباط یابی با ملل و اقوام مختلف بودند. فرهنگ و تمدنی هم که در فلات بزرگ ایران پا گرفت تلفیقی از خصوصیات هنری و مدنی از مجموعه مردمی بود که در این خطه وسیع زندگی می کردند. این امر از یک سو باعث غنای فرهنگی مردم ساکن ایران میشد و از طرف دیگر موجبات آشنایی دستاورد های ملل ساکن در منطقه را فراهم می آورد. این نکته را در بررسی زبان، ادبیات، آداب زندگی، امور سیاسی و نظامی و به کلیه فروع و فنون مدنیت ملت های مرتبط با ایران می توانیم دریابیم.

۱_ فرهنگ ایرانی

۱-۱ رابطه فرهنگ و تمدن

خصوصیات فرهنگ آفرینی و تلفیق عناصر مهم و ماندگار آنها، وجه بارز کلیه تمدن هایی است که در زمینه های مختلف زبانی، ادبی، هنری، دینی و اخلاقیات از آن باقی است و به حقیقت نماینده بهترین هایی میتواند تلقی شود که انسان های فرهیخته مایل بوده انداز خود بر جای گذارند.

فرهنگ ایرانی فرهنگی است که؛ از قدیمی ترین فرهنگ های جهان است و با آن که فرهنگ هر قوم به همان قوم اختصاص دارد فرهنگ ایران مانند تمدنش در ساختن فرهنگ دیگر اقوام موثر واقع شد.

قبل از آنکه به فرهنگ ایرانی و تاثیر آن در فرهنگ جهان بپردازیم نخست معنا یا معانی فرهنگ از نظر بگذرانیم:

در کتب لغت، فرهنگ را به علم و دانش و عقل و ادب و بزرگی و سنجیدگی معنا کرده اند که این معانی، در واقع همه مزایای انسانی را در بر میگیرد، یعنی همه وجود تمایز و برتری انسان نسبت به سایر موجودات و مخلوقات، در معانی «فرهنگ» جمع آمده است. گستردگی معنای فرهنگ آنچنان است که محققان، دویست تا سیصد تعریف برای فرهنگ نوشته اند و حتی کتاب هایی مستقل در تعریف و توصیف «فرهنگ» تالیف شده است.

فرهنگ یک قوم که علم و تمدن شاخه هایی از آن هستند به سبب وسعت محتوا و برخورد بعضی مفاهیم آن نظیر آداب و عادات و رسوم قومی با فرهنگ اقوام دیگر، دیرتر از علم و تمدن و یا کمتر از آنها در دیگر ملل تاثیر میگذارد، زیرا عوامل علم و تمدن مخصوصا اگر ابداع تازه علمی و اختراع و اکتشافی باشد، با آگاهی های پیشین اقوام مختلف در تناقض و ضدیت نیست و اگر هم باشد، نیاز های افراد بشر به پدیده های علمی موجب می شود که با کشفیات علمی از در مخالفت برنیاید مثلا هر انسانی اعم از متمدن یا وحشی، بیمار میشود و برای بهبود بیماری به طبیب و دارو نیازمند است بنابراین علم جهان شمول است، اما شاخه های دیگر فرهنگ این چنین نیست، لازمه گسترش فرهنگ و نفوذ فرهنگی یک قوم در اقوام دیگر آن است که اولاً صاحبان آن فرهنگ خود به اصالت آن معتقد باشند و چنین فرهنگی طبعا حاصل سال ها بلکه قرن ها ممارست در بخش های مختلف آن است که مستحکم شده باشد. ثانيا صاحبان فرهنگ، در حفظ و ترویج فرهنگی که به اصالت آن معتقدند مصمم و کوشا باشند.

پس از این مقدمات، فرهنگ دیرین ایرانیان که نمونه بارزی از اصالت و استواری فرهنگ است به عنوان بهترین شاهد و نمونه در نظر مجسم میشود

فرهنگ ایرانی، فرهنگی است که قرن ها دانش و خرد و سنت و آداب را در خود گرد آورده از هرباغی، خوش رنگ و خوش بو ترین گل ها چیده و دست گلی دماغ پرور که از خرمن صد گیاه بهتر است فراهم آورده.

فرهنگ ایران، فرهنگی یک روزه یک ساله نیست، فرهنگی است که قرن ها ساکنان این مرز و بوم در پدید آوردن آن سهیم بوده اند و آن را حراست کرده اند و متقابلا فرهنگ ایران نیز در فراز و نشیب های تاریخ از مردم این سرزمین حمایت کرده است (رک: فرهنگ ایران در برخورد با فرهنگ های دیگر، آذرنوش، فرهنگ و هنر، ۱۳۵۴، ص ۵).

۲- خط نستعلیق

۲-۱ شکل گیری خط نستعلیق

خوش نویسی یک هنر علی الاخصاص اسلامی است و هیچگونه سابقه ای پیش از اسلام نداشته است. در این زمینه ابتدا خط کوفی شکل گرفت و سپس طی قرون متمادی خط هایی دیگر همچون نسخ، ثلث، محقق، ریحانی و نستعلیق و... پدید آمدند (نصر، ۱۳۷۳: ۱۵۹-۱۵۷).

در جریان بوجود آمدن خط های مختلف، ایرانیان تقریباً در نیمه دوم قرن هشتم یک سال پس از خط تعلیق، خط نستعلیق را ابداع کردند که مختص به خود آنها هم بود. نستعلیق از ترکیب نسخ و تعلیق به دست آمده بود به گونه ای که ایرانیان دوایر ناقص تعلیق را با خط نسخ ترکیب کردند و خطی بوجود آوردند که نه کند نویسی نسخ و نه نواقص خط تعلیق را داشته باشد، این خط را اینگونه توصیف میکنند: «ذوق و سلیقه ایرانی پیچیدگی و بی نظمی و دوایر ناقص خط تعلیق را نپسندید و آن را با خط نسخ که خطی منظم و معتدل و زیباتر بود بسنجید و خط ثالشی که نه کند نویسی نسخ و نه نواقص تعلیق را داشته باشد بوجود آورد خطی دور از افراط و تفریط با نظم و متانت و دوائر ظریف و دلچسب».

این خط نه تنها در ایران بلکه در ممالک دیگر از جمله هند، ترکیه عثمانی، مصر و سایر بلاد عربی منتشر شد. خط نستعلیق از آغاز قرن ۹ تا پایان قرن ۱۱ سیر صعودی داشت و ایرانیان با همه اینکه از خطوط دیگر استفاده می کردند اما قلم مخصوص آنها نستعلیق بود از قرن دوازدهم تا ابتدای قرن سیزدهم به دلیل جنگ ها و نا امنی در اوضاع اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ایران، خوشنویسی رکوردی نسبی داشته است.

از نیمه دوم قرن سیزدهم تا قرن چهاردهم، روزگار تجدید حیات نستعلیق بود که یکی از برجسته ترین دوره های خوشنویسی ایران شد. قرن چهاردهم قمری توجه کمی به خوشنویسی شد (برات زاده، ۱۳۸۴: ۷۰-۶۹).

این خط، خطی کاملاً ایرانی است و گاهی آن را خط فارسی اطلاق می کنند. بنابراین این خط که از ظریف ترین و دقیق ترین آثار هنری ایران محسوب می شود و تمام اسلوب و قواعد خط اعم از ترکیب، کرسی، نسبت، ضعف، قوت، سطح، دور، صعود، مجازی، نزول مجازی، اصول صفا و شأن در آن رعایت شده است در میان خطوط دیگر از جایگاه ویژه ای برخوردار است و عروس خطوط اسلامی نامیده می شود (فضائلی، ۱۳۵۰: ۷۷).

۲-۲ نقش عناصر بصری در انتقال معنا

۲-۲-۱ خط

هنگامی که نقطه از حالت سکون خارج می شود و به حرکت در می آید به خط تبدیل می شود در آفرینش خط، مواد و ابزار آن، چگونگی به کارگیری ابزار و شدت نیروی وارد شده بر آن، مدت زمان رسم خط تاثیر مهمی در نوع حرکت و آهنگ آن باقی می گذارد. حرکت، جزء اصلی و وجودی خط است و خط بدون حرکت بوجود نمی آید و عامل حرکت نیز نیرو است (مصلحی، ۱۳۸۷: ۳۰-۲۹).

۲-۲-۲ سطح

درمبانی هنر های تجسمی، بالای سطح کار احساس سبکی، رها شدن و آزاد شدن را نشان می دهد و رهایی و آزادی را القاء می کند و ممانعت به حداقل می رسد در حالی که در پایین سطح کار تراکم و سنگینی و امتناع بیشتر بروز می کند و ممانعت به حداکثر خود می رسد (مصلحی، ۱۳۸۷: ۶۹).

۲-۲-۳ تناسب

طبیعت بر اساس تناسبات و اندازه هایی استوار است که؛ در نظمی خاص، جریان تکوینی جهان و کیهان را در بر می گیرد و سیر تکاملی اش را به سوی کمال رهنمون می کند.

هر اثری (هنری یا غیر هنری) در جهان اگر از اندازه های اساسی به کار رفته در طبیعت بیرون باشد، غیر عادی، نا خوشایند و نا پذیرا می گردد و نمی تواند راهی به سوی کمال مطلوب داشته باشد. بنابراین اگر بر این اعتقاد باشیم که هنر دارای زبانی است که برای بیان احساس هایی به کار می رود که قلم و واژه ها از توجیح آن نا توانند پس هر اثر هنری که بخواهد حامل پیام باشد باید بر اساس اندازه ها استوار باشد (آیت اللهی، ۱۳۷۷: ۱۸۰)

۲-۲-۴ تعادل

از آنجا که انسان همواره به دنبال استواری است در ارزیابی های خویش بیش از هر چیز به تعادل و توازن توجه می کند. به عبارتی، دستگاه حسی انسان همواره در جستجوی تعادل است در متعادل سازی، طرح در مرکز ثقل یا محور تعادلی حسی بین عناصر موجود قرار دارد و دو سمت محور یا مرکز ثقل دارای وزن های مساوی هستند. اگر این تعادل برقرار نشود نا آرامی و تحریک کنندگی را به بیننده القاء می کند (همان: ۱۵۷).

۲-۲-۵ رنگ

رنگ با احساسات و عواطف بشر ارتباط بسیاری دارد و پیام ها و اطلاعات بسیاری را در خود نهفته دارد. رنگهای متفاوت نه تنها تاثیر و معنای خاصی دارند که از جنبه های گوناگون قابل بررسی است بلکه هر کدام تداعی کننده حالتی رمزی هستند که از فرهنگی به فرهنگی دیگر می تواند متفاوت باشد (داندیس، ۱۹۸۳: ۸۲).

۳ نقش عناصر و ویژگی های بصری در خط نستعلیق

۳-۱ خط

با توجه به آنچه پیرامون اهمیت نوع خط در انتقال معنا ذکر شد و از آنجا که حروف و کلمات خط نستعلیق که عروس خطوط اسلامی است. از دور و انحنای بیشتری نسبت به بقیه خطوط اسلامی برخوردار است. خط نستعلیق که از خطوط منحنی تشکیل شده است، میتواند پیام ها و حالاتی مانند سیال بودن، ملامت و ملاحظت شور درونی، نرمی، بلوغ و کمال، ایمان و آرامش را به بیننده منتقل سازد (احسنت، ۱۳۷۰: ۹).

۳-۲ تعادل

همانطور که عدم تعادل نوعی نا آرامی و تحریک کنندگی را به بیننده القا می کند، تعادل نوعی استواری را به انسان منتقل می کند، رعایت تعادل در انتخاب کشیده ها، نوع نقطه گذاری، در قواعد خوشنویسی (خلوت و جلوت) به آن بسیار توجه شده است نقطه گذاری در نستعلیق به گونه ای است که؛ نقطه ها نه تنها کلمات را کامل می کنند بلکه نقاط نقش پر کننده فضاهای خالی را نیز دارند به گونه ای که؛ تعادل در آن برقرار شود مفاهیم خلوت و جلوت از اصول خوشنویسی است که؛ غلبه یکی بر دیگری سبب به هم خوردن تعادل می شود و یک اثر خوشنویسی نباید

در یک قسمت فضای خالی یا فضای بسیار متراکم و سنگین داشته باشد و این همان مفهوم تعادل است که به اثر استحکام و استواری می بخشد.

۳-۳ تناسب

همانگونه که ذکر شد برای اینکه یک اثر خوشنویسی خوشایند به نظر برسد و غیر عادی، نا خوشایند و ناپذیرا نباشد باید از تناسب برخوردار باشد ابداع کنندگان خط نستعلیق در شکل حروف و کلمات انتخاب کادر مرقع، چلیپا، کتابت و فاصله دو سطر و دیگر حالات ترکیبی آن در اکثر موارد نزدیک به و گاهی منطبق بر تناسب طلایی عمل کرده اند (بختیاری، ۱۳۶۴: ۱۳۶_۱۳۵).

۴-۳ ریتم

ریتم توسط حرکت وجود می آید و حرکت نیز از طریق تکرار بدست می آید. ریتم در خوشنویسی بنا به نوع آن میتواند پیام های متنوعی داشته باشد.

۵-۳ رنگ

رنگ در هنر های بصری از ارزش بسیاری برخوردار است بنابراین در خوشنویسی نیز می تواند پیام هایی متفاوت را در ترکیب با سطح کلامی اثر به بیننده منتقل کند که نه تنها تاثیری روان شناختی دارد بلکه گاه رنگ بیان کننده رموز عرفانی است. رنگ در خوشنویسی هم در رنگ جوهر، رنگ زمینه و هم در بخش های مربوط به تزئینات جانبی مثل رنگ به کار رفته در تذهیب تاثیر بسیاری دارد.

نتیجه گیری

چنانکه دریافته های پژوهش، شرح داده شده نستعلیق از ترکیب نسخ و تعلیق به دست آمده بود به گونه ای که؛ ایرانیان دوایر ناقص تعلیق، را با خط نسخ ترکیب کردند و خطی بوجود آوردند که نه کند نویسی نسخ و نه نواقص خط تعلیق را داشته باشد، این خط را اینگونه توصیف میکند: « ذوق و سلیقه ایرانی پیچیدگی و بی نظمی و دوایر ناقص خط تعلیق را نپسندید و آن را با خط نسخ که خطی منظم و معتدل و زیباتر بود بسنجید و خط ثالی که نه کند نویسی نسخ و نه نواقص تعلیق را داشته باشد بوجود آورد خطی دور از افراط و تفریط با نظم و متانت و دوائر ظریف و دلچسب به نام نستعلیق». بنابراین با توجه به بررسی های انجام شده، هنر خوشنویسی در میان دیگر هنر های اسلامی از جایگاهی ویژه برخوردارست و هنر بصری محسوب می شود که؛ جایگاه آن در هنر های تجسمی ارزشمند است، از این رو این هنر از طریق مبانی هنر های تجسمی یا به عبارتی مبانی هنر های بصری قابل بررسی است. به طوری که میتوان با بررسی عناصر و نیرو های بصری موجود در این هنر، به پیام هایی که؛ این هنر از طریق عناصر غیر کلامی به بیننده منتقل می کند، پرداخت. حال توجه به این نکته، خط نستعلیق و جایگاهش در میان هنر های موجود تاثیر خود را از فرهنگ ایرانی گرفته است ما را به شناخت بیشتری از این خط می رساند.

منابع:

رفیعی، مجنون. (۱۳۷۲)

فرهنگ ایران در برخورد با فرهنگ های دیگر، آذرنوش، فرهنگ و هنر، ۱۳۵۴

تاریخ فتوحات مغول، ج.ج. ساندروز، ترجمه ابوالقاسم حالت، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۱ش.

تمدن ایرانی، تألیف چند تن از خاورشناسان، ترجمه دکتر عیسی بهنام، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۶ش.

آیت اللهی، حبیب الله، (۱۳۷۷)، مبانی هنر های تجسمی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها

- تهران: سمت.
- احسنت، قاسم، (۱۳۷۶)، ترکیب چلیپا، تهران: فرهنگسرا (یساولی)، چاپ سوم.
- امیرخانی، غلامحسین، (۱۳۷۹)، برگزیده آثار استاد غلامحسین امیرخانی (۱۰ تابلو)، تهران: انتشارات کلهر، چاپ دوم.
- بختیاری، جواد، (۱۳۶۴)، جوهره و ساختار هندسی خط نستعلیق. پایگاه مجلات تخصصی، ۵ تیر ۱۳۹۰.
- برات زاده، لیلی، (۱۳۸۴)، خوشنویسی در ایران. دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران.
- پاکباز، رویین، (۱۳۸۸)، دائرة المعارف هنر/ فرهنگ معاصر. تهران: چاپ و نشر ارشاد اسلامی، چاپ هشتم.
- حسینی راد، عبدالمجید (۱۳۸۰)، مبانی هنر های تجسمی (قسمت اول) ۳۵۸/۲۱
- تهران: شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران.
- داندیس، دونیس ا، (۱۳۸۸)، مبادی سواد بصری، (مسعود سپهر، مترجم). سروش: انتشارات صدا و سیما، چاپ بیست و یکم، تهران (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۸۳).
- رانکین پور، هنری، (۱۳۸۲)، ترکیب بندی در نقاشی، (فرهاد گشایش، مترجم)، لوتس، چاپ دوم، تهران (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۴۰).
- رحمانپور، ارمان، (۱۳۸۷)، مبانی هنر های تجسمی ۱، تهران: ره آورد.